

نقد و بررسی تطبیقی رویکرد علامه طباطبایی و آیت الله طالقانی در

تفسیر آیات اجتماعی

* طیبه رفیعی

* سیده زینب طلوع هاشمی

چکیده

یکی از تحولات بسیار مهم قرآن پژوهی در دوره معاصر، پیدایش مکتب تفسیر اجتماعی است. در این رویکرد تفسیری، مفسران تمرکز بیشتری بر پیام‌های اجتماعی قرآن کریم دارند و البته تمام مفسران این جریان با یک رویکرد مشابه به تحلیل آیات قرآن کریم نپرداخته‌اند؛ بلکه مفسرانی که گرایش به این جریان تفسیری داشته‌اند را می‌توان در طیف وسیعی از مفسران سنتی تا روشنفکر طبقه‌بندی نمود.

به منظور آشنایی بیشتر با این جریان تفسیری و تأثیر آن بر دیدگاه‌های تفسیری مفسر، در این پژوهش با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های علامه طباطبایی به عنوان مفسر و محقق سنتی که به گرایش‌های اجتماعی نیز توجه نموده‌اند و آیت‌الله طالقانی به عنوان مفسر متمایل به جریان روشن فکری اجتماعی انتخاب شده و مورد واکاوی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تفسیر اجتماعی، بررسی تطبیقی، علامه طباطبایی، آیت الله طالقانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

* دکتر طلوع هاشمی، استاد راهنما، zeinab_hashemi@yahoo.com



طرح بحث

گرایش اجتماعی در تفسیر قرآن کریم، اصطلاحاً گرایشی است که بر اساس یافته‌هایی از قرآن به مباحث مورد نیاز جامعه پرداخته تا مشکلات اجتماعی عصر خود را حل کند یا دین را به شکل جدیدی متناسب با زمان مطرح نماید. در این گرایش مفسر، با نگرش جامعه‌گرایی، متأثر از نیازهای اجتماعی، به دنبال راه‌حلی برای پاسخگویی بدان‌ها است. در این راستا ممکن است شیوه‌ها و اندیشه‌های سنتی را محکوم نماید و دیدگاه‌های مطابق با دانش‌ها یا جامعه عصر خود ارائه دهد.

این گرایش از گرایش‌های عصر جدید می‌باشد. در این گرایش، تلاش می‌شود تا مسائل اجتماعی با استفاده از داده‌های قرآنی مورد بحث قرار گیرند، پس چنین می‌طلبند که با رشد و توسعه جامعه و تغییر نیازهای اجتماعی، سبک و روش و نوع پردازش اطلاعات این گرایش نیز متحول گردد.

بنیان‌گذار این مکتب، محمد عبده (۱۳۲۳ ق) بوده است و در پی ایجاد این تحول عظیم در تفسیر، مفسران دیگری نیز به این سبک اقتدا کرده و تفاسیری با رویکرد تحولات اجتماعی به رشته تحریر درآورده‌اند.

مفسرانی همچون رشید رضا که شاگرد محمد عبده بود، علامه سید محمدحسین فضل‌الله (من وحی القرآن)، احمد مصطفی مراغی (تفسیر مراغی)، علامه طباطبایی (المیزان)، آیت‌الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه)، سید قطب (فی ظلال القرآن)، محمدجواد مغنیه (الکاشف)، محمود طالقانی (پرتویی از قرآن) و بسیار دیگر از این قبیل تفاسیر. تفاسیر بیان شده هر یک دارای ویژگی‌ها و امتیازات و گاه نقاط ضعف می‌باشد.



این تفاسیر به دلیل پرداختن به مسائل اجتماعی و ارائه دیدگاه‌های بعضاً عقلی دارای مخاطبان بسیار بوده است ولی گاه آنچه در برخی از این تفاسیر دیده می‌شود به دلیل منطبق کردن دین با علوم و افکار روز دنیا، سبب شده تا دچار «تفسیر به رأی» شوند. همانند محمد عبده که «جن» را به نوعی از میکروب‌های امراض که قابل رؤیت نیستند، تفسیر کرده است؛ و برخی از این تفاسیر باعث تحولات اجتماعی و بروز انقلاب در آن جامعه می‌شود.

پیشینه تفسیر اجتماعی قرآن کریم

نهضت بیداری جهان اسلام در سده چهاردهم و پانزدهم قمری، همراه با داعیه بازگشت به قرآن و تلاش‌های فراوان برای نگارش و ارائه تفسیرهای جدید قرآنی برای مخاطبان، فرصت و فضای دیگری در عرصه قرآن پژوهی به وجود آورد که با نو فهمی‌هایی از قرآن، اولاً ایمان، شوق و حیات تازه‌ای از معارف دینی پدید آورد و ثانیاً اصول فکری و آرمان‌هایی نو بنیان‌گذار که در سایه آن زندگی اجتماعی و سیاسی - فرهنگی دیگری را برای مسلمانان ارائه می‌داد.

بر این اساس، نهضت فراگیر اصلاح اجتماعی و احیای دینی و نقد اندیشه دینی و مبارزه با بدفهمی‌ها شکل گرفت. اولین گام مؤثر در این زمینه از سوی سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ق) و شاگردش شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۶ ق) با تأسیس مکتب تفسیری خاص برداشته شد.

این نهضت جدید تفسیری بر آن بود که به جای تأکید بر ابعاد صوری و ادبی و مباحث آکادمیک در کتاب مقدس، به راه حل‌های زندگی توجه کند و آموزه‌های دینی را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی آنان گشته مبارزه کند؛ از این رو، این حرکت، نقش مهمی در آگاهی بخشی اجتماعی مردم مسلمان و نیز خیزش و بیداری



داشت و توسط مصلحان و به ویژه مفسران دیگر ادامه یافت و تحول ذهنی مسلمانان را فراهم ساخت؛ تحول از دیدگاه فردی به دین و آموزه‌های آن و به تعبیری دیگر، تحول از آخرت‌گرایی به دیدگاه اجتماعی و ارائه راه حل مشکلات مادی و معنوی مسلمانان و تغییر وضعیت ضعیف، فقیر، منحط و عقب افتاده آنان یکی از آثار این حرکت، مبارزه با رواج خرافات و وابستگی به عقایدِ سخیف و غلوآمیز بود که جایگاه واقعی دین را تضعیف می‌کند و آثار معنوی و منزلت دین را به چالش می‌کشد.

نتیجه دیگر این حرکت، بازبینی در اندیشه سنتی دینی در حوزه‌های مختلف، به ویژه حیات اجتماعی، امور حقوقی و مسائل زنان بود.

پیش از این، مفسران با نگاهی فردگرایانه به پرده‌برداری از آیات می‌پرداختند و اگر دستورات و قوانین شریعت را از قرآن استخراج می‌کردند، فقط از این منظر می‌دیدند که وظیفه فرد چیست چه باید بیندیشد و چه باید عمل کند، اما اینکه پیامد این آموزه‌ها چیست و شرایط اجتماعی چه اقتضایی دارد، در سطح کلان، جامعه و جهان چه می‌گذرد و وظیفه یک مسلمان در این شرایط چیست، چیزی نبود که در تفسیرشان بازتاب یافته باشد

در حالی که باید گفت قرآن کریم علاوه بر پرداختن به عقاید و احکام تکلیفی انسان، بسیاری از امور مربوط به زندگی اجتماعی بشر را بیان کرده است و این مسئله از گذشته‌های دور مد نظر مفسران بوده است، اما در قرون اخیر، با حرکت اجتماعی سید جمال الدین اسدآبادی در مصر، نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت و شاگرد او محمد عبده این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت و تفسیر همچون المنار شکل گرفت. هرچند رشید رضا در المنار، در برخی موارد از اهداف سید جمال و عبده فاصله گرفته است، اما گرایش اجتماعی تفسیر، راه خود را ادامه داد و در مصر افرادی همچون شیخ احمد مصطفی مراغی (تفسیر مراغی) و سید قطب (فی ظلال القرآن) و در سوریه قاسمی (محاسن



التأویل) و در ایران علامه طباطبایی (المیزان) و آیت الله مکارم شیرازی (تفسیر نمونه) و آیت الله طالقانی (پرتوی از قرآن) و در لبنان محمدجواد مغنیه (الکاشف) و علامه سید محمدحسین فضل الله (من وحی القرآن) این راه را ادامه داده‌اند.

همچنین بزرگانی همچون شهید مطهری (ره) و شهید سید محمدباقر صدر (ره) نیز زمینه‌های فراوانی را در بهره‌مندی از قرآن کریم در عرصه‌های اجتماعی فراهم و تبیین نمودند؛ چنان که امام خمینی، به گونه‌ای عملی و متأثر از مکتب اسلام ناب، قرآن را در صحنه زندگی اجتماعی مسلمانان احیاء کرد.

همچنین آثار متعددی از قبیل جامعه و تاریخ (مصباح یزدی)، جامعه انسانی از دیدگاه قرآن (شهید محمدباقر حکیم)، قرآن و عقاید اجتماعی (عزت الله رادمنش)، مدخل الی علم الاجتماع الاسلامی (یوسف شلمت)، بناء المجتمع الاسلامی ونظم ودراسته فی علم الاجتماع الاسلامی (نیل سمالوطی)، عناصر المجتمع فی القرآن الکریم (شهید محمدباقر صدر) و المجتمع بحوث فی المذهب الاجتماعی القرآنی (محمد عبدالجبار) در جهان عرب و ایران این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند.

الف. علامه طباطبایی و اندیشه اجتماعی

دانش تفسیر قرآن کریم در روند تحولات زمانی و مکانی، تنوع و گوناگونی بسیار پیدا کرده است. این تحول را می‌توانیم از خود قرآن به دست آوریم چنانکه قرآن دربارهٔ خودش می‌فرماید:

«و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین» (نحل/۸۹)

ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا همهٔ مسائل را روشن کند و رهنمودی باشد به همراه رحمت و بشارت برای مسلمین.



تفسیر روشن تری از موضع قرآن نسبت به نیازهای جوامع مختلف در کلام امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«لأنَّ الله تبارک و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لالناس دون ناس، فهو فی کل زمان

جدید و عند کل قوم غض الی یوم القيامة» (حر عاملی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱۱، ص ۱۶۲)

به درستی که خداوند تبارک و تعالی، قرآن را برای زمان و مردمی خاص قرار نداده است، بدانید که قرآن برای هر زمانی جدید است و در پیشگاه هر مردمی همچنان شاداب و جذاب خواهد ماند تا عالم واپسین.

علامه در آثار گوناگون خود، درباره مسائل اجتماعی به بحث پرداخته که از بین همه آثار ایشان، المیزان جامع ترین آن ها است. ایشان در جلد های دوم، چهارم، پنجم، دهم و پانزدهم این کتاب، مباحثی از قبیل روان شناسی اجتماعی یا رابطه فرد و جامعه و عوامل پدیدآورنده آن و کارکردهای اجتماعی دین را مورد بحث قرار داده است. مهم ترین مباحث اجتماعی المیزان در جلد دوم، در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره و در جلد چهارم، در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران جای گرفته اند. با ذکر مقدمه ای به برخی از مهم ترین دیدگاه های اجتماعی وی اشاره می شود.

علامه در اغلب مباحث خود، از جمله مباحث اجتماعی، از روش تعبدی و به ویژه تعقلی بهره می گیرد. به جرئت می توان گفت: بیشتر تحلیل ها و بررسی های استاد با روش تعقلی شروع می شوند و بیشتر مسائل اجتماعی به صورت فلسفی تحلیل می شود؛ زیرا هر پدیده اجتماعی پیش از اجتماعی بودنش، امری انسانی است و باید زمینه های انسانی آن کاملاً مورد توجه و تفکر قرار گیرد و این تفکر عمیق همان تفکر تعقلی یا فلسفی است. (مجید کافی، اندیشه های اجتماعی علامه سید محمدحسین طباطبائی، برگرفته از کتاب آینه مهر، ص ۱۴۷)

این موضوع بیانگر این است که استاد علامه به عنوان یک فیلسوف اجتماعی برجسته، درباره زندگی اجتماعی انسان و پدیده های اجتماعی، اندیشه ها و نظریه های فلسفی دارد.



۱. تفسیر اجتماعی در المیزان

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا...» (آل عمران/ ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در برابر مشکلات و هوس‌ها استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید...

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه بحث‌هایی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی مانند بحث انسان و اجتماع، انسان و رشد و نمو او در اجتماع، عنایت اسلام به اجتماع، رابطه فرد و اجتماع در اسلام و... مطرح می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۴۳ تا ۲۱۲)

علامه در کتاب قرآن در اسلام، ذیل عنوان «نوع انسان به چه معنا اجتماعی است»، مسئله را توضیح داده که بخشی از آن چنین است:

در اینکه نوع انسان در خارج اجتماعی است و پیوسته در حال اجتماع و دسته جمعی زندگی می‌کرده و می‌کند و افراد دست به دست همدیگر داده، با تعاون به رفع حوائج می‌پردازند، تردیدی نیست.

ولی آیا این تعاون و همدستی را به مقتضای طبع اولی می‌خواهد و از اول مایل است که فعالیت‌های خود را آمیخته با دیگران انجام دهد و از مجموع محصول کار به حسب وزن اجتماعی که دارد، برای خود سهم بردارد؟

آنچه ما می‌یابیم این است که طبیعت شخص انسان حوائج و نیازمندی‌هایی دارد و عواطف و احساساتی نیز دارد که با خواست‌های گوناگون خود، قوا و ابزار خود را به کار می‌اندازد و در این مرحله، از نیازها و خواست‌های دیگران بی‌خبر است.

انسان برای رفع نیازمندی‌های خود، از همه چیز استفاده می‌کند، در راه وصول به مقاصد خود از بسایط و مرکبات زمین کمک می‌گیرد، اقسام نباتات و درخت‌ها را از برگ و میوه گرفته تا ساقه و ریشه و انواع حیوانات و محصولات وجود آن‌ها را به مصرف



نیازمندی‌های خود می‌رساند و همه را استخدام نموده، از فواید وجود آن‌ها بهره برده و نواقص خود را با آنچه به دست آورده، تکمیل می‌کند.

آیا انسانی که حالش این است و هرچه پیدا می‌کند در راه منافع خود استخدام نموده، از نتایج وجودش استفاده می‌کند، وقتی که به هموعان رسید، احترام گذاشته، رویه‌ای دیگر پیش خواهد گرفت؟ از راه صفا، دست تعاون و همکاری به سوی آن‌ها دراز کرده، در راه منافعشان از بخشی از منافع خود چشم خواهد پوشید؟

نه هرگز، بلکه انسان از یک طرف، نیازمندی‌های بی‌شمار خود را که هرگز به تنهایی از عهده برآوردن همه آن‌ها نخواهد درآمد، حس می‌کند و امکان رفع بخشی از آن نیازمندی‌ها را به دست هموعان دیگر خود درک می‌کند و از طرف دیگر، مشاهده می‌کند که نیرویی که وی دارد و آرزوها و خواست‌هایی که در درون وی نهفته است دیگران نیز که مانند وی انسان هستند، دارند و چنان که از منافع خود دفاع می‌کند و چشم نمی‌پوشد، دیگران نیز همین حال را دارند.

اینجاست که اضطراراً به تعاون اجتماعی تن می‌دهد و مقداری از منافع کار خود را برای رفع نیازمندی به دیگران می‌دهد و در مقابل، آن مقداری که برای رفع نیازمندی‌های خود لازم دارد از منافع کار دیگران دریافت می‌کند و در حقیقت، وارد یک بازار داد و ستد عمومی می‌شود که پیوسته سرپاست و ...

از بیان گذشته، روشن می‌شود که مقتضای طبع اولی انسان که منافع خود را می‌خواهد، این است که دیگران را در راه منافع خود استخدام کند و از بهره کار ایشان استفاده کند و تنها از راه اضطرار و ناچاری است که به اجتماع تعاونی تن می‌دهد. این مسئله از مطالعه حال کودکان بسیار روشن است. (طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۷۸ و ۷۹)



۲. توجه شایسته اسلام به اجتماع

همچنان که در بحث ماهیت جامعه از دیدگاه علامه بیان شد، ایشان نوعی وجود حقیقی و مسلط بر افراد، برای جامعه قائل می‌باشند؛ وجودی که خودش را بر افراد جامعه تحمیل می‌کند و قدرت فکر آن‌ها را بسیار محدود می‌کند. به نظر ایشان به همین دلیل است که اسلام به امر اجتماع توجه بسیاری کرده و از میان ادیان، تنها دینی است که تمامی دستورات خود را، یا به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، به صورت اجتماعی بیان کرده است. علامه در این زمینه می‌فرماید:

«هیچ شکی نیست در اینکه اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته است؛ و اما آن شریعی که در سایر ادیان است و اسلام اعتنایی به آن‌ها نکرده، مانند احکامی که در کیش بت پرستان و صابئین و پیروان مانی و مجوسیان و سایرین به آن‌ها معتقدند، وضع روشن‌تری دارد که قابل مقایسه با احکام اسلام نیستند. (طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۸۰)

۳. تفسیر اجتماعی

«به طور خلاصه می‌توان از تفسیر اجتماعی به استخدام علم جامعه‌شناسی برای تفسیر قرآن نام برد. در این گونه از تفسیر، مفسر به پیام‌های اجتماعی قرآن کریم می‌اندیشد. این نهضت جدید تفسیری بر آن است تا آموزه‌های اجتماعی دین را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان شده، مبارزه کند. ویژگی مهم این گرایش، ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان است.



در تفسیر اجتماعی قرآن موارد زیر مورد توجه قرار دارد:

- ۱- استخدام علوم اجتماعی برای توضیح آیات قرآن
- ۲- توجه به بعد اجتماعی قرآن در بیان نکات تفسیری
- ۳- تبیین آموزه‌ها و پیام‌های اجتماعی قرآن
- ۴- بهره‌جویی از آیات قرآن برای جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی
- ۵- نظریه‌پردازی‌های اجتماعی بر اساس آیات قرآن
- ۶- استنباط اهداف، مبانی و روش‌ها و در نهایت نظام اجتماعی از قرآن» (قرآن و علم، شماره ۱۲، مؤدب، سید رضا)

– شرایط و مختصات مفسر اجتماعی

در این قسمت می‌خواهیم از دیدگاه علامه طباطبایی به مختصات یک مفسر اجتماعی بپردازیم.

تفسیر اجتماعی به مفسر و دانسته‌ها و بینش او وابسته است؛ از این رو، در تحلیل ویژگی‌های این گرایش، باید به شخصیت مفسر و آنچه برانگیزاننده تفسیر اجتماعی می‌شود، پرداخت.

«۱- مفسر اجتماعی کسی است که باید با دغدغه‌های خاص ناظر به جامعه، به تبیین مفاهیم و نظریه‌های قرآنی بپردازد؛ از این رو تا حدی رابطه‌ای میان متن و بیرون برقرار می‌کند؛ زیرا با کاوش‌های خردگرایانه به تحلیل و ارزیابی مسائل دینی و عینی جامعه می‌پردازد و در سایه کند و کاوهای عقلی و برهانی، نگرش خاصی برای او حاصل می‌گردد. طبعاً چنین کسی نمی‌تواند اندیشه‌ظاهری و سلفی یا به عبارتی، اخباری‌گری داشته باشد. مفسر اجتماعی باید اخبار و روایات را ابزار کار خود قرار دهد، اما به آن‌ها اکتفا نکند.



۲- مفسر اجتماعی باید به مسائل اجتماعی و تحولات آن آگاه باشد. از بیرون، تحولات اجتماعی و شرایط مسلمانان را زیر نظر داشته باشد و برخوردار از اندیشه اصلاحی و اجتماع گرایانه باشد، نیازهای جامعه را درک کند و بداند که هم اکنون چه مشکلاتی گریبان گیر جامعه است.

۳- مفسر اجتماعی باید از شبهات و اشکالات مخالفان و تعارض خوانی‌های علم مداران و روشن فکران لائیک و سکولار و شبهات مستشرقان و کلامیان جدید آگاه باشد و با احاطه بر این گونه مسائل به تفسیر بپردازد.

۴- مفسر اجتماعی کسی است که برای تطبیق نص با اوضاع، احوال و نیازهای عصر جدید بکوشد. هَمَّ و غَمَّ چنین مفسری، باید ایجاد ارتباط میان آیات الهی و موقعیت اجتماعی، تمدن و تحولات روز باشد. «(ایازی، اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان، مجله بینات، ش ۳۴، ص ۷۶ - ۷۴)

– اندیشه‌های آیت الله طالقانی در تفسیر اجتماعی

اندیشه‌های آیت الله طالقانی، شهید مطهری و علامه طباطبایی و این بزرگان سبب شد که قرآن با روح مردم درآمیخته شود و افراد بعد از خودآگاهی به یک آگاهی اجتماعی نیز برسند.

آیت الله طالقانی یک مصلح دینی است. در تاریخ معاصر با ورود علما و روحانیت به میدان نوعی بازگشت به قرآن در جامعه ایران شروع شد، بر همین اساس باید روشی طرح می‌شد که سؤالات جدید را پاسخ دهد.

آیت الله طالقانی برای تفسیر قرآن از روش‌هایی همچون مطالعه دقیق تاریخ معاصر و صدر اسلام استفاده می‌کردند، ایشان در تفسیر از روش‌های فلسفی و کلامی قرآن پرهیز کرده و اعتقاد داشتند که این روش برای عموم مردم قابل فهم نیست.



و این که باید قرآن در زندگی روزمره مردم دیده شود، ایشان حتی در نام‌گذاری آثار قرآنی خود رفتار گذشتگان را تکرار نکرده و مطالب خود را به زبان فارسی می‌نوشتند.

تفسیر آیت‌الله طالقانی مبتنی بر عقل‌گرایی است، از نظر ایشان نخستین هدف پیامبران اصلاح فکر، اندیشه و عقل بوده است.

– اهمیت تقوای اجتماعی در منظومه فکری آیت‌الله طالقانی

به عنوان مسیر فکری آیت‌الله طالقانی اهمیت تقوای الهی را در اینجا بیان می‌کنم واقعیت این است که «توحید» سرلوحه و نخستین دعوت پیغمبران است.

پایداری پیامبران برای ایجاد انقلابی بود که یکسره باطن و ظاهر زندگی بشر را مستقیم به سوی حق برگرداند، همه تلاش‌ها و مجاهدت‌های پیشروان انقلاب فکری بشر نیز در تحقق این هدف بوده است.

آیت‌الله طالقانی به دنبال اصلاحات بنیادی در جامعه ایران بود و معتقد بود اگر انقلاب تحولی در عقل و فکر توده مردم ایجاد نکند، پایدار نخواهد ماند و نهایتاً از اهداف و آرمان‌های اولیه خود منحرف خواهد شد ایشان جهت آگاهی بخشی در جامعه دست به نوآوری‌هایی در تفسیر قرآن زد و برداشت‌های خلاقانه از آیات قرآن ارائه نمود.

در این راستا، آیت‌الله طالقانی بر اساس نیازهای جامعه به قرآن پژوهی می‌پرداخت و در عین حال، به توسعه معنایی مفاهیم قرآن برای حل معضلات و مشکلات جامعه نیز توجه ویژه داشت؛

از جمله مفاهیم اساسی قرآن، مفهوم «تقوا» بود که طالقانی برای نخستین بار به توسعه معنای آن همت گماشت و از «تقوای فردی» به «تقوای اجتماعی» رسید تا آنجا که حتی معتقد بود تقوا اولاً ذاتاً اجتماعی است و سپس تقوای فردی مطرح می‌گردد.



ج. تفسیر پرتوی از قرآن

تفسیر پرتوی از قرآن دارای روشی اجتهادی و مبتنی بر تحلیل و استدلال‌های عقلی و نقلی است، این تفسیر به علت برخورداری از گرایش دوران معاصر یک گرایش علمی اجتماعی است، و علی‌القاعده یک گرایش علمی اجتماعی به خود گرفته است.

چنان‌که می‌دانیم آیت‌الله طالقانی، شخصی بود که سال‌ها در زندان ستم‌شاهی به خاطر مبارزات، زجرها کشیده و آسیب‌ها دید و اولین امام جمعه تهران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بود.

آیت‌الله طالقانی تفسیر خود را در واقع در زندان می‌نویسد و جرقه‌های آن در همان زمان به ذهن ایشان وارد می‌شود و شروع به نگارش می‌کند.

آیت‌الله طالقانی از آن‌جا که خود یک مصلح و مبارز بود، لذا تفسیر او هم از یک رویکرد اجتماعی مصلحانه برخوردار است. در واقع ایشان تصمیم داشت جامعه را به سمت قرآن بکشاند و جامعه فاسد را به سمت اصلاح ببرد و از همین روی عواملی را که برای اصلاح یک جامعه نیاز است در تفسیر خود ذکر می‌کند.

۱. استفاده پرتوی از قرآن از سه تفسیر الجواهر، مجمع البیان و المنار

منابع و تفاسیری که مورد توجه آیت‌الله طالقانی در نگارش تفسیر پرتوی از قرآن بوده است، برخی از مسائل علوم تجربی از تفسیر الجواهر طنطاوی استفاده نموده است. همچنین در مباحث اصلی تفسیر از تفسیر مجمع البیان بهره برده است و در مباحث اجتماعی هم از تفسیر المنار از شیخ محمد عبده استفاده نموده است و مطالبی را از آن‌ها نقل می‌کند.

ایشان گاه‌گاهی به نظریات مفسران دیگر اشاره می‌کند و نقد و بررسی از این نظریات دارد. در این رابطه برخی از مطالب در رابطه با نظرات شیعه و مباحث مربوط به ولایت و



بحث‌های مربوط به اعتقادات شیعه و اثبات حقانیت شیعه است که ما این‌ها را در تفسیر پرتوی از قرآن مشاهده می‌کنیم.

۲. استفاده از قرآن در عرصه اجتماعیات؛ نقطه قوت تفسیر پرتوی از قرآن

یکی از ویژگی‌های بسیار قوی در تفسیر پرتوی از قرآن، این است که نگاه اجتماعی به قرآن دارد و به قرآن با یک دید جامعه‌شناسانه نگاه می‌کند و هدفش از نگارش این تفسیر این است که مشکلات اجتماعی دوران خود را بررسی کند.

برای مثال ایشان به عنوان نمونه به بحث حقوق زن، به عوامل انحراف جوانان از دین و گرایش آنان به مادی‌گرایی و به مباحثی که در رابطه با نقش دین در زندگی است خیلی توجه کرده است و تمام توجهش این است که به شبهات و اشکالات پاسخ دهد و قرآن را افزون بر این که یک کتاب دینی و اخلاقی و هدایتی است تا حدودی یک کتاب علمی معرفی کند. (طالقانی، ۱۳۵۴: نسخه دیجیتال)

«دیگر از ویژگی‌های بسیار مهم تفسیر پرتوی از قرآن است و همین توجه به نکات علوم تجربی است. البته گاه‌گاهی ممکن است در این راستا، مفسر دچار لغزش‌هایی شود، اما در هر صورت توجه مفسر به این نکات در دوران معاصر ما، خود حائز اهمیت است؛ مثل آن چیزی که در تفسیر المیزان یا در تفسیر نمونه مشاهده می‌کنیم و همین‌طور بسیاری از تفاسیر اهل سنت هم به این نکات توجه دارند. همچنین از ویژگی‌های این تفسیر پاسخ‌گویی به شبهات دوران معاصر است که این نیز یکی از توجهات مفسر بوده است.» (حسین علوی مهر، رئیس انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمیه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا))

ویژگی‌های روش‌شناسی آیت الله طالقانی

از جمله ویژگی‌های قرآن‌پژوهی طالقانی، فارسی‌نویسی است. معمولاً علما در گذشته،



نتایج تحقیقات خود را به زبان عربی به نگارش درمی‌آوردند. ولی طالقانی پرتوی از قرآن را به فارسی نوشت.

وی معتقد بود از آنجا که هدف قرآن هدایت بشر و توده مردم است و مردم ایران فارسی‌زبان‌اند، باید طوری پیام قرآن را برای مردم مطرح کرد که قابل فهم برای همه باشد. او برای همگانی کردن آموزه‌های قرآن در جامعه ایران از سیرهٔ علماء عدول کرد و نتایج قرآن پژوهی سیاسی و اجتماعی خود را به فارسی نوشت و همگان را به تأمل و تفکر در قرآن دعوت نمود.

آنچه در تفسیر پرتوی از قرآن مطرح است این است که، با استفاده از تاریخ صدر اسلام و پرهیز از اسرائیلیات و احادیث ضعیف در فهم قرآن، طالقانی در تفسیر سوره آل عمران برای تبیین آیات ناظر به جنگ بدر و احد، استفاده فراوانی از تاریخ صدر اسلام می‌کند و محیط نزول آیات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

طالقانی به کارگیری روش‌های عرفانی، فلسفی، فقهی و علمی را در تفسیر قرآن، از موانع اساسی فهم اهداف هدایتی قرآن می‌دانست. به نظر وی هدف در این گونه تفسیرها فهم اهداف قرآن آن طور که در حقیقت است، نیست؛ بلکه به دنبال اثبات خود روش‌ها هست. فهم واقعی قرآن در صدر اسلام ناشی از اتخاذ روش‌های غیر قرآنی است.

مطالب و تحقیقات مستند و درست مفسران آن گاه می‌تواند در فهم قرآن از جهت هدایت مؤثر باشد که خود در پرتو هدایت قرآن قرار گیرد، نه آنکه از منظر این‌ها به قرآن نظر شود؛ بنابراین در روش‌شناسی طالقانی روش‌های علمی، فلسفی، فقهی، عرفانی و غیره از موانع فهم قرآن محسوب می‌شود.

طالقانی روش خودش را چنین معرفی می‌کند: نخست چند آیه به ردیف و شماره آورده شده. پس از آن، ترجمهٔ آیات به فارسی تطبیقی آمده چنانکه از حدود معانی صحیح لغات



خارج نباشد. پس معانی مترادف و موارد استعمال و ریشه لغات، در موارد لزوم بیان شده تا در ذهن خواننده مجال تفکر بیشتری باز شود.

آن‌گاه آنچه از متن آیات مستقیماً بر ذهن تابیده بیان می‌شود. گاهی در موارد مقتضی از احادیث صحیحیه و نظر مفسران استفاده شده، پس در پیرامون آیات آنچه به فکر نگارنده رسیده و بر ذهنش پرتو افکننده منعکس می‌گردد تا شاید خواننده خود هرچه بیشتر به رموز هدایتی قرآن آشنا شود و ایمان تقلیدی به کمال تحقق رسد و هر چه بیشتر جویندگان در اعماق ژرف آیات فرو روند و در انوار آن غوطه‌ور شوند. (طالقانی، ۱۳۵۴: صص ۴۸، ۴۹)

۳. مقایسه تطبیقی علامه طباطبایی و آیت الله طالقانی

به نظر می‌رسد با توجه به شرایط و موقعیت فضای اجتماعی و سیاسی در زمان آیت‌الله طالقانی بیان مسائل اجتماعی با روش تفسیر اجتماعی عقلی توانسته است کارساز باشد و گروه بسیاری را به سوی قرآن هدایت کند.

آنچه می‌دانیم بر این اساس است که آیت‌الله طالقانی دانش آموخته حوزه‌های علمیه دینی بود، ایشان از خانواده‌ای روحانی بود. پدر او از روحانیون به نام زمان خودش بود؛ بنابراین آموزش‌های کلاسیک حوزوی بخشی از ساختار زندگی او بود و چنان که می‌دانیم در قرآن کریم علاوه بر پرداختن به عقاید و احکام تکلیفی انسان، ابعاد چندگانه‌ای مطرح است و از این امور پرداختن به زندگی اجتماعی بشر است ایشان به آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کند، بیشتر پرداخته است و به مشکلات مسلمانان در عصر خویش توجه کرده و آیات قرآن را بر زندگی عصر خود تطبیق نموده و درمان مشکلات اجتماعی را در قرآن جستجو کرده‌اند

ایشان در مسیر حرکت تاریخ در قرون اخیر، با حرکت اجتماعی اندیشه‌های جریان



اصلاحی اعتدالی دینی که در امثال افکار شیخ محمد عبده تبلور یافته بود، برخورد می‌کند و به میزان زیادی تحت تأثیر آراء تفسیری عبده و تفسیر المنار قرار گیرد و دریافت‌های او از برخی از آیات عیناً مانند برداشت‌های است که در گرایش تفسیر اجتماعی المنار می‌باشد.

المیزان تفسیر جامع در بین تفاسیر شیعه است و اینکه ما تفسیر علامه طباطبایی (قدس سره) را یک تفسیر اجتماعی بدانیم حرفی در آن نیست اما در مقایسه تفسیر پرتوی از قرآن آیه الله طالقانی بحری است در کنار برکه و پرداختن به مسائل اجتماعی در المیزان یک بعدی نمی‌باشد و چنانکه قرآن یک بعدی نیست و مسائل اجتماعی بخشی از موضوعات مطرح شده در کنار بقیه مسائل المیزان می‌باشد.

لذا با توجه به آیات و تفسیر قرآن به قرآن در پاسخ به شبهات پاسخگو است اما می‌بینیم که این مسئله در تفسیر اجتماعی عقلی پرتوی از قرآن مغفول مانده و در پاسخ به برخی شبهات به سبب عدم جواب در مقوله عقل راه به جایی نمی‌برد و همچنان روشننگری ندارد.

۴. تفسیر المیزان به اختصار

المیزان فی تفسیر القرآن معروف به تفسیر المیزان، تفسیر ترتیبی قرآن به زبان عربی است که در ۲۰ مجلد تنظیم یافته است.

«شیوه این تفسیر چنین است که در آغاز چند آیه از یک سوره را که در یک سیاق قرار دارند می‌آورد، پس از آن تحت عنوان «بیان» به شرح و تفسیر آیات می‌پردازد و در پاره‌ای از موارد پس از شرح و تبیین آیات یک سیاق به مناسبت یک یا چند موضوع مطرح در آیات مورد بحث را عنوان مستقلی قرار می‌دهد و ابعاد آن را تشریح می‌نماید. مباحث مطرح شده در این بخش‌ها علاوه از مباحث قرآنی ممکن است فلسفی، اخلاقی، تاریخی یا اجتماعی باشد که مؤلف در عنوان این گونه از مباحث به نحوه بحث یا حوزه‌ای که برای بحث خود انتخاب می‌نماید، اشاره دارد.



علامه همچنین معمولاً پس از تفسیر بخشی از آیات، مبحثی تحت عنوان بحث روایی ترتیب داده و در آن به نقد و بررسی روایات تفسیری پرداخته است. (صحرائی اردکانی، نقد و بررسی حدیث در تفسیر المیزان، ص ۱۹۸)

علامه طباطبائی برای تفسیر قرآن به کمک قرآن، از آیات مجاور آیه که با آیه مورد بحث در یک سیاق قرار دارند بهره می‌گیرد و در مواردی موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و برای درک پیام آیه از آیات دیگر کمک می‌گیرد.» (نقیب زاده، محمد، مقایسه‌ی دو تفسیر (المیزان و البیان)، ص ۸۴)

۵. تفسیر پرتوی از نور به اختصار

پرتوی از قرآن تفسیری شش جلدی و ناتمام از سید محمود طالقانی (۱۲۸۶ - ۱۳۵۸ ش) است که طی سال‌های ۱۳۴۱ - ۱۳۵۷ ش فراهم آمده و به تدریج (۱۳۴۲ - ۱۳۶۰) منتشر شد. جلد اول دارای یک مقدمه، تفسیر سوره حمد (فاتحه‌الکتاب) و ۱۴۴ آیه از سوره بقره است. در جلد دوم آیات ۱۴۵ تا پایان سوره بقره مطرح شده است.

سوره آل عمران در جلد سوم، بخش اول جزء سی‌ام قرآن از آغاز سوره نبأ تا آخر سوره طارق در جلد چهارم و بخش دوم جزء سی‌ام از سوره اعلی تا آخر قرآن (سوره ناس) در جلد پنجم و ۲۲ آیه سوره نساء در جلد ششم تفسیر شده است. در جلد ششم، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات پرتوی از قرآن که به همت سید محمد مهدی جعفری تهیه شده در حدود ۱۵۰ صفحه درج شده است که راهنمای مفیدی است.

- نمونه تفسیر چند آیه

آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ

الْبِرُّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...»



«در تفسیر پرتوی از نور آیه الله طالقانی می‌گوید: این آیه درباره تغییر قبله از سمت بیت‌المقدس به سمت کعبه نازل شد، همین که دستور تغییر قبله داده شد چون مخالف میل یهودیان بود به مبارزه تبلیغاتی برخاستند و نو مسلمانان را دچار شک و تحیر نمودند...

این آیه تأکید می‌نماید که همه خوبی و خیر که مقصود است این نیست که روی به مشرق آرید یا به سوی مغرب، بلکه مقصود تربیت چنین مردمی است که مبدأ عقلی آن‌ها چنان برومند شود که علت فاعلی و غایی نظامات جهان و اصول و وظایف و مردان عالی را که آورندگان قانون‌اند بشناسند و به آن‌ها ایمان آورند.

دیگران که نیروی تولید و عمل آنان چنان به کار افتد که واماندگان را دستگیری نماید و از بی‌سرپرست‌ها سرپرستی کنند و بند بندگی خلق را از گردن‌ها باز کنند و به وسیله اقامه صلوات با خدا مرتبط گردند.

در قدرت اراده چنان باشند که پای تصمیم و ایمان و دفاع از حقوق محکم بایستند و به عهده‌های خود وفا نمایند و در برابر هیجان‌های داخلی و وسوسه‌های اضطراب‌انگیز نقض عهد ننمایند. و با اراده آهنین محکم در سنگر وظیفه بایستند چنانکه چهره عبوس گرسنگی و فقر و مصائب و دم شمشیرها آن‌ها را شکست ندهد. نشان جاویدان صدق و تقوا این است و بس.» (مجله تاریخ معاصر ایران - سال ۱۴، ش ۵۵، پاییز ۸۹)

- ترجمه تفسیر المیزان آیه ۱۷۷ سوره بقره:

نیکی آن نیست که روی خود را به طرف مشرق کنید (که چون مسیحی هستید) و یا به طرف مغرب (که چون یهودی هستید) بلکه نیکی برای کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال خود را با آنکه دوستش می‌دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راه ماندگان و دریوزگان و بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و کسانی اند که به عهد خود وقتی عهدی می‌بندند وفا



می کنند و از فقر و بیماری و جنگ، خویشتن دارند اینان هستند که راست گفتند و همین هایند که تقوی دارند

«بعضی از مفسرین گفته‌اند: بعد از برگشتن قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، جدال و بگو بگو بسیار شد و بدین جهت آیه مورد بحث نازل شد. لیس البران تولوا و جوهمکم قبل المشرق و المغرب» (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۴۹)

علامه بعد از ذکر مفردات آیه می‌فرماید:

«ولکن البر من آمن بالله...»

در این جمله بجای اینکه کلمه (بر) به کسره را تعریف کند، کلمه (بر) به فتحه را تعریف کرد تا هم بیان و تعریف مردان نیکوکار را کرده باشد و در ضمن اوصافشان را هم شرح داده باشد و هم اشاره کرده باشد باینکه مفهوم خالی از مصداق و حقیقت، هیچ اثری و فضیلتی ندارد.

و سخن کوتاه آنکه جمله:

«ولکن البر من آمن بالله و الیوم الاخر»

تعریف ابرار و بیان حقیقت حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریفشان می‌کند و هم در مرتبه اعمال و هم اخلاق.

درباره اعتقادشان می‌فرماید: «من آمن بالله»

درباره اعمالشان می‌فرماید: «اولئک الذین صدقوا»

و درباره اخلاقشان می‌فرماید: «و اولئک هم المتقون»

در تعریف اولی که از ایشان کرده، فرموده: (کسانی هستند که ایمان به خدا و روز جزا و



ملائکه و کتاب و انبیاء دارند) و این تعریف شامل تمامی معارف حقه‌ای است که خدای سبحان ایمان به آن‌ها را از بندگان خود خواسته.

درباره ایمان کامل و پاره‌ای از اعمال و اخلاق ابرار (مؤمنین حقیقی)

و مراد به این ایمان، ایمان کامل است که اثرش هرگز از آن جدا نمی‌شود و تخلف نمی‌کند، نه در قلب و نه در جوارح، در قلب تخلف نمی‌کند چون صاحب آن دچار شک و اضطراب و یا اعتراض و یا در پیشامدی ناگوار دچار خشم نمی‌گردد و در اخلاق و اعمال هم تخلف نمی‌کند، (چون وقتی ایمان کامل در دل پیدا شد، اخلاق و اعمال هم اصلاح می‌شود).

و سپس علامه بحث روایی را می‌آورد که البته روش علامه در المیزان تفسیر قرآن به قرآن است ولیکن برخی موارد بحث روایی را مطرح می‌کند.

بحث روایتی (ذیل آیه کریمه و بیان اهمیت آنچه در آن آمده)

از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) روایت شده که هر کس به این آیه عمل کند ایمان خود را به کمال رسانده باشد.

وجه آن با در نظر داشتن بیان ما روشن است و از زجاج و فراء هم نقل شده که آن دو گفته‌اند: این آیه مخصوص انبیاء معصومین (علیهم‌السلام) است برای اینکه هیچ کس به جز انبیاء نمی‌تواند همه دستوراتی که در این آیه آمده آن طور که حق آن است عمل کند، این بود گفتار آن دو، ولی سخنان آن دو ناشی از این است که در مفاد آیات تدبر نکرده‌اند و میان مقامات معنوی خلط کرده‌اند، چون آیات سوره دهر که درباره اهل بیت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) نازل شده، به عنوان ابرار از ایشان یاد فرموده نه به عنوان انبیاء، چون اهل بیت (علیهم‌السلام) انبیاء نبودند.



بله این قدر هست که مقامی بس عظیم دارند، به طوری که وقتی حال اولوالالباب را ذکر می‌کند، که کسانی هستند که خدا را در قیام و قعود و بر پهلویشان ذکر می‌کنند و در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر می‌نمایند، در آخر از ایشان نقل می‌فرماید که از خدا درخواست می‌کنند ما را به ابرار ملحق ساز، (و توفنا مع الابرار)، (با ابرار ما را بمیران) و در تفسیر الدر المنثور است که حکیم ترمذی از ابی عامر اشعری روایت کرده که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشتیم: تمامیت بر و نیکی به چیست؟ فرمود: اینکه در خلوت همان کنی که در انظار می‌کنی.

و در تفسیر مجمع البیان از ابی جعفر و امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمودند: منظور از ذوی القربی، اقربای رسول هستند.

و در کافی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: فقیر آن کسی است که کارش آن چنان به استخوان نرسیده که دست به سوی مردم دراز کند، ولی مسکین بدحال‌تر از اوست و بائس از هر دو بدحال‌تر است. (طباطبایی، ۱۳۵۳ ج ۱، ص ۶۵۰)

نمونه دوم: آیات نخستین سوره نازعات

قرآن می‌فرماید:

«وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱) وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲) وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳) فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)»

آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن در سوره نازعات می‌فرماید:

آشکار است که این سوگندها ناظر به انواع یا مراحل حرکات، یا متحرکات از جهت حرکات می‌باشد، بنابراین اگر گونه‌هایی از حرکات کلی محسوس یا معلوم را در نظر بگیریم شاید تا حدی به مقصود قرآن از این سوگندها آشنا شویم. اینک چند مثال: حرکت وسایل



نقلیه، در زندگی ماشینی و حرکت وسایل صنعتی مشهودترین حرکات است و صورتی از تصرف فکر و اراده انسان در ترکیب و تنظیم قوای طبیعی می‌باشد، طیاره با فشار نیروی دافع (نازع) از زمین که مرکز جاذب اجسام است، کشیده و کنده می‌شود، قدرت جذب مرکز و دفع محرک تا حدی در حال کشمکش، پس از آنکه جسم متحرک (طیاره) به منتهای دفع رسید (مستغرق در نزع گردید):

«وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا»

دافعه آن بر جاذبه مرکزی غلبه می‌کند و حرکت نزعی به حرکت نشاطی تبدیل می‌شود و گویا بندهایی که به آن بسته بود و به جهت مخالف می‌کشید سست، یا باز می‌گردد. (طالقانی، ۱۳۵۴، ج ۳ صص ۷۸-۷۹)

«وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا»

پس از سبک سیری و نشاط در فضا شناور می‌شود:

«وَالسَّابِحَاتِ»

با این سه طور از حرکت است که به سوی مقصود پیش می‌رود:

«فَالسَّابِقَاتِ»

و آن غرض نهایی را انجام می‌دهد:

«فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا»

پس حرکات دیگر وسائل نقلیه صنعتی، جنبش‌های حیاتی در گیاه و حیوان و جنبش‌ها و انگیزه‌های ارادی که منشأ حرکات انسان است مصادیق دیگر این حرکات دانسته می‌شود. مفسر سرانجام چنین نتیجه می‌گیرد زمان و فضا و کهکشان‌ها همه در حال حرکت و یا عین حرکت اند و سکوت مطلق وجود ندارد. (مقاله نواندیشی در پرتو قرآن،

پدیدآورنده شیوا حامد، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، خرداد ۱۳۸۸، سال چهارم، ش ۳)



در بررسی تفسیر آیات نخستین سوره مبارکه النازعات از ترجمه تفسیر المیزان علامه می‌فرماید:

اینکه در این آیات پنج سوگند به ملائکه یاد شده است.

حال آنچه به نظر خود ما می‌رسد و ممکن است درباره آن اظهار بداریم- و خدا دانتر است- این است که آنچه در این آیات بدان سوگند یاد شده با صفاتی که ملائکه در امتثالشان نسبت به اوامر صادره از ساحت مقدس الهی که مربوط به تدبیر امور عالم ماده نسبت به ایشان می‌باشد و سپس قیامشان به تدبیر امور به اذن خدای تعالی، قابل انطباق است.

در بین این آیات پنج گانه آن صفتی که در انطباقش با ملائکه روشن تر از دیگران است صفت «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» است، که در آن مسئله تدبیر بدون قید و به طور مطلق آمده است، پس مراد از آن تدبیر همه عالم است و کلمه «أمرًا» یا تمیز است و یا مفعول به برای کلمه «مدبرات» و از سوی دیگر مطلق تدبیر هم کار مطلق ملائکه است، پس قهرا مراد از مدبرات، مطلق ملائکه خواهد بود.

و از آنجایی که در آغاز آیه «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» فاء تفریع در آمده می‌رساند که مضمون این آیه نتیجه آیه «فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا» است و از آنجا که آیه «فَالسَّابِقَاتِ ...» هم با «فاء» تفریع آغاز شده، می‌رساند که مضمون آن نتیجه‌ای است از آیه «وَالسَّابِقَاتِ سَبْحًا».

لذا نتیجه گرفته می‌شود که تدبیر، فرع بر سبق و سبق فرع بر سبوح است و این به ما می‌فهماند که سنخیتی در معانی منظور نظر آیات سه گانه است، پس مدلول این سه آیه این است که ملائکه تدبیر امر می‌کنند، اما بعد از آنکه به سوی آن سبقت جسته باشند و به سوی آن سبقت می‌جویند، اما بعد از آنکه هنگام نزول به سوی آن سرعت گرفته باشند. پس نتیجه می‌گیریم مراد از سابحات و سابقات و مدبرات، همان ملائکه هستند به اعتبار



نزولشان به سوی تدبیری که بدان مأمور شده‌اند.» (طباطبایی ۱۳۵۳: ج ۲۰، ص: ۳۹۵)

«و اما وقتی منظور از آیات سه گانه اشاره به سرعت گرفتن ملائکه باشد در نازل شدن برای انجام آنچه بدان مأمور شده‌اند و سبقت گرفتن به آن و تدبیر امر آن، به ناچار باید دو آیه دیگر یعنی «وَوَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا» را هم حمل کنیم بر انتزاع و خروجشان از موقف و مرتبه خطاب به موقف و مرتبه انجام مأموریت، پس نزع ملائکه به طور غرق، عبارت است از اینکه شروع به نزول به طرف هدف کنند، آن هم نزول به شدت و جدیت و نشط ملائکه عبارت است از خروجشان از موضعی که دارند به طرف آن هدف، هم چنان که سبح آنان عبارت است از شتافتن و سرعت گرفتن بعد از خروج و به دنبال آن سبقت گرفته و امر آن موجود را به اذن خدا تدبیر می‌کنند.

بنا بر بیانی که گذشت آیات پنج گانه، سوگند به وظیفه‌ای است که ملائکه دارند و وضعی که در هنگام انجام مأموریت به خود می‌گیرند. از آن لحظه‌ای که شروع به نزول نموده تا آخرین وضعی که در تدبیر امری از امور عالم ماده به خود می‌گیرند.

و در این آیات اشاره است به نظمی که تدبیر ملکوتی در هنگام حدوث حوادث دارد، هم چنان که آیات بعدی می‌فرماید:

«هَلْ أَتَاكَ ...» اشاره است به تدبیر ربوبی که در این عالم ظاهر می‌شود؛ و در تدبیر ملکوتی حجتی است بر مسئله جزاء و بعث، هم چنان که تدبیر امور دنیای مشهود نیز حجتی است بر آن (طباطبایی، ۱۳۵۳: ج ۲۰، ص: ۳۹۶)



نتیجه بحث

با توجه به تطبیق و بررسی رویکرد تفسیری علامه طباطبایی و آیه الله طالقانی به چشم می‌خورد، در روش تفسیری علامه از علوم مختلف از جمله ادبیات، کلام، فلسفه، فقه، عرفان بهره جسته است. چنان که می‌دانیم تفسیر میزان، تفسیر قرآن به قرآن است.

خداوند تعالی قرآن را «نور مبین» معرفی نموده است. بنا براین امکان ندارد که دارای نقاط مبهم باشد تا برای شناخت آن به غیر قرآن نیاز داشته باشیم و همچنین قرآن خاتم رسولان و اهل بیت علیهم السلام را مبین قرآن معرفی می‌کند:

«وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیه» (نحل / ۴۴)

و همچنین از روایات در تفسیر میزان بهره برده شده است. علامه طباطبایی برای آیات قرآن آیات کلیدی در نظر دارد و آن‌ها را «غرر آیات» می‌نامد که این آیات پایه محکمی برای حل بسیاری از احادیث خواهد بود. (مجله آئینه مهر، ویژه گرامی داشت بیستمین سالگرد علامه، ش ۶۰ و ۶۱ مهر و آبان ۱۳۸۱)

در تفسیر میزان علامه (قدس سره) به صورت سیاقی آیات را بررسی نموده است و اینکه هر سیاقی هدفی را دنبال می‌کند و تا آن هدف پایان نیابد سوره پایان نمی‌پذیرد علامه نظرات دیگر مفسران و راویان را می‌آورد و اینکه در این کار به نحو مورد نیاز بسنده کرده و نکته‌ای که در آیات مطرح است را بیان می‌کند و در نهایت جمع‌بندی می‌کند. با توجه به این مطالب می‌بینیم که تفسیر علامه یک تفسیر جامع و کامل است و یک بعد را نمی‌نگرد. مسائل اجتماعی و علمی و اخلاقی در تفسیر ایشان مورد توجه است.

اما در تفسیر پرتوی از قرآن شاید بتوان گفت تفسیری است که در مقطع زمانی خودش کاربرد فراوان داشته و سبب شده در آن موقعیت و شرایط زمانی جوانان را به سمت قرآن



هدایت کند و از این جهت حائز اهمیت است، اما اینکه به تفسیر ایشان به صورت تفسیری جامع نگریسته شود جای صحبت است.

در نهایت اینکه قرآن کتاب هدایت است و برای هر عالم و دانشمندی که در آن تحقیق و غور کند به اندازه ظرفیت خود از آن بهره می‌گیرد و همیشه و برای هر عصر و نسلی قرآن سخن ناب و تازه دارد، انشاء الله باشد که معجزات قرآن و نادانسته‌هایش با ظهور حضرت حجت چراغی هدایت افروز برای همه بشریت باشد و نور هدایت آن انسان‌ها را در هر عصر و نسلی به کمال خلقت بشریت متصل گرداند.

فهرست منابع و مآخذ

✽ قرآن کریم.

۱. ایازی، سید محمدعلی، اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان، مجله بینات، ش ۳۴
۲. حامد، شیوا، مقاله نواندیشی در پرتو قرآن، نشریه حکمت و معرفت، خرداد ۱۳۸۸، سال چهارم، ش ۳
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
۴. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ه.ش.
۵. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴
۶. کافی، مجید - اندیشه‌های اجتماعی علامه سید محمدحسین طباطبایی، برگرفته از کتاب آیین مهر

۷. مجله آئینه مهر، ش ۶۰، مهر و آبان ۱۳۸۱



۸. مجله تاریخ معاصر ایران - سال ۱۴، ش ۵۵، پاییز ۸۹

۹. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی

مدرسین حوزه علمیه قم، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۳۷۴ ش

۱۰. مودب، سید رضا، مجله قران و علم، ناشر: جامعه المصطفی العالمیه، تاریخ ثبت پایگاه:

۱۳۸۸

۱۱. مجله تاریخ معاصر ایران، ناشر: موسسه مطالعات تاریخ، سال ۱۴، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۹

۱۲. نقیب زاده، محمد، مقاله مقایسه در تفسیر المیزان والبیان، مجله معرفت، آبان ۱۳۹۳، ش

۲۰۳

